

تربیت اخلاقی، عاطفی، جنسی از دیدگاه امام علی (ع)

سید احمد هاشمی ۱ و حکیمه صفا ۲ (نویسنده مسئول)

۱. دانشیار رشته برنامه ریزی درسی برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لامرد، لامرد، ایران

hmd_hashemi@yahoo.com

۲. ابواب جمعی اداره آموزش و پرورش بوشهر، دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه آزاد

اسلامی واحد لامرد، گروه علوم تربیتی، ایران

Hsfa2741@gmail.com

چکیده

شیوه‌های آموزش و تربیت صحیح و چگونگی رفتار با فرزندان، همواره یکی از مسائل مورد توجه والدین دلسوز و متعهد و معلمان و مربیان مسئول بوده است. البته طبیعی است که در دوره‌هایی که به مانند امروز، تربیت به ویژه تربیت جنسی کودکان و نوجوانان، نیاز به اعمال ظرافت‌ها و شیوه‌های کاربردی ویژه دارد و والدین کمتر از عهده آن برمی‌آیند، تبیین و توضیح و آموزش شیوه‌های صحیح تربیت جنسی و چگونگی برخورد با فرزند بر اساس الگوی بومی و دینی از ضروریات جامعه اسلامی باشد. در این مقاله که به روش مطالعه اسنادی صورت گرفته، سعی شده تا اهداف تربیت اخلاقی، عاطفی، جنسی از دیدگاه امام علی (ع) در سطوح مختلف بیان گردد. با توجه به نتایج پژوهش تربیت اخلاقی، عاطفی، جنسی از دیدگاه امام علی (ع) دارای مراتب مختلف هستند که در نهایت تمامی آنها برای حصول به اهداف غایی تنظیم شده اند.

واژگان کلیدی: :تعلیم و تربیت اسلامی، تربیت اخلاقی، تربیت عاطفی، تربیت جنسی، امام علی (ع)

مقدمه

امروزه با توجه به زمینه‌های وسیع انحراف، به ویژه انحراف جنسی از طریق عواملی مانند تلویزیون، سینما، اینترنت و ماهواره و شدت تأثیرپذیری کودکان، نوجوانان و جوانان از این عوامل، ضرورت توجه به شیوه‌های کاربردی تربیت صحیح و عوامل پیشگیری از انحراف، بیشتر گردیده است و مراجعه به احادیث و تبیین شیوه‌های کاربردی که معلمان و مربیان آشنا به تعلیمات الهی و آگاه از جنبه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری آدمی در دوره‌های مختلف رشد مطرح کرده‌اند، ضرورت بیشتری پیدا کرده است [۱]. دنیای معاصر بیش از هر زمان دیگری با مشکلات مختلف اخلاقی مواجه است. مراد از تربیت اخلاقی، فرایند ایجاد و پرورش فضایل اخلاقی در فراگیران و کوشش برای بازداشتن آن‌ها از رذایل اخلاقی در مقام نظر و عمل است. با توجه به اهمیت تربیت اخلاقی، پرداختن به مباحث مربوط به اخلاق و تربیت اخلاقی از جایگاه رفیعی برخوردار است. امام علی علیه السلام، اولین پیشوای شیعیان، نکات برجسته‌ای درباره تربیت اخلاقی بیان فرموده است. پژوهش حاضر می‌کوشد با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به واکاوی جایگاه و مولفه‌های تربیت اخلاقی کودکان در خانواده از دیدگاه امام علی علیه السلام بپردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد امام مراحل تربیت اخلاقی را براساس مراحل اخلاق به سه دوره هفت ساله تقسیم کرده و درباره مولفه‌های تربیت اخلاقی (هدف غایی، اهداف واسطه‌ای، اصول و روش‌ها) مواردی را به صورت کاربردی ارائه کرده است. الگوبرداری از سیره حضرت علی علیه السلام، بهره‌گیری از روش‌های تربیتی اسلامی و پرورش نسل صالح می‌تواند راهگشای سعادت دنیوی و اخروی باشد [۲].

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر از نوع کیفی-توصیفی و مروری تحلیلی می‌باشد که با جستجو در مقالات علمی و کتاب‌های مختلف و اینترنت به تدوین آن پرداخته شده است. از جمله مهم‌ترین موتورهای جست و جو و پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر مورد استفاده در این تحقیق عبارتند از: تحلیل محتوا یک شیوه پژوهشی است که برای تشریح عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام‌های ارتباطی به کار می‌رود. این شیوه ابتدا در علوم ارتباطات به کار گرفته شد و در حال حاضر، بخصوص در سالهای اخیر این شیوه پژوهش در سایر علوم، از جمله علوم تربیتی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. تحلیل محتوا به اعتقاد بیشتر صاحب‌نظران روش پژوهشی است که برای بیان مفاهیم یا واژه‌های معین‌تر یک متن و یا مجموعه‌ای از متون استفاده می‌شود. برخی نیز آن را یک روش تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌دانند. متن می‌تواند شامل کتاب، فصل یا فصل‌هایی از یک کتاب نوشته‌ها، مصاحبه، گفت و گو، عناوین و مقالات مطبوعات و اسناد تاریخی می‌باشد.

مبانی نظری

تعلیم و تربیت اخلاقی

تعلیم و تربیت، ابعاد مختلفی دارد که عبارتند از: تربیت جسمانی، اخلاقی، معنوی، اجتماعی، جنسی، عاطفی و عقلانی. یکی از مؤثرترین و درعین حال دشوارترین مباحث تعلیم و تربیت، تربیت اخلاقی است. درحقیقت، به دلیل اهمیت ارزش‌ها و اخلاقیات در سعادت فردی و اجتماعی بشر، محققان و دست‌اندرکاران تربیت، پیروان ادیان الهی و به طور کلی مصلحان اجتماعی همواره به تربیت اخلاقی توجه داشته‌اند [۳]. بشر امروزی به دلیل رویارویی با بحران هویت انسانی و ارزش‌های اخلاقی ناگزیر است به ارزش‌های اخلاقی روی آورد [۴]. تربیت اخلاقی به منزله یکی از جلوه‌های متعالی تعلیم و تربیت که هدف عمده آن رشد اخلاقی کودکان است، امری است که مربیان و معلمان ناچارند مستقیم و غیرمستقیم بدان توجه کنند [۵]. بنابراین، علم اخلاق و در پی آن تربیت اخلاقی از کامل‌ترین علوم مقدمی است که انسان‌ها به آن نیاز مبرم دارند [۶]. انسان، در جایگاه موجودی هدفمند و اندیشه‌ورز، تنها در پرتو تربیت صحیح است که به اهداف و آرمان‌های خود دست می‌یابد و قلّه رفیع سعادت مطلوب خویش را فتح می‌کند؛ تربیت اخلاقی برای انسان مسلمان ضرورتی مضاعف دارد؛ زیرا انسانی که گردنبدی از مرواریدهای دین و بندگی خالق متعال را بر گردن آویخته است، جز در پرتو تربیت اخلاق اسلامی به مدال افتخار عبودیت و تسلیم نائل نمی‌آید. ازسویی

دیگر، انسان مسلمان برای پیمودن راه سعادت و بندگی به الگوهای مطمئن عملی نیاز دارد تا با پیروی از دیدگاه‌ها و سیره عملی آنان، هم راه درست بندگی و سعادت را بی‌ماید و هم در این وادی سریع تر گام بردارد و به مقصد برسد. از این رو، معصومان (علیه السلام) بهترین و مطمئن ترین الگوهای تربیتی هستند و تبیین دیدگاه‌ها و کشف و عرضه سیره تربیتی آنان یک ضرورت انکارنشدنی در عرصه تعلیم و تربیت اسلامی است [۷].

براساس دیدگاه امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه، دوره کودکی از تولد تا ۱۲-۱۳ سالگی را دربرمی گیرد و سه مرحله کودکی اولیه (شیرخوارگی: از تولد تا ۲ سالگی)، کودکی میانه (۲ تا ۷ سالگی) و کودکی پایانی (۷ تا ۱۲-۱۳ سالگی) برای آن در نظر گرفته شده است [۸] البته امام (علیه السلام) در مبحث تربیت اخلاقی، کودکی را به سه دوره هفت ساله تقسیم کرده است. دوران کودکی، دوران تقسیم شاکله و تکوین شخصیت انسانی است و از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ به همین دلیل است که گفته اند: «کودک در پنج سالگی، نسخه کوچکی از شخص جوانی است که بعداً خواهد بود». در این دوره باید با رعایت اصول تعلیم و تربیت و سازگاری های مناسب، بهره گیری از روش های دموکراتیک، پرهیز از برخوردهای قهری، تکیه بر ارزش های انسانی و ملاک های عاطفی به پرورش و رشد مهارت ها و استعداد های کودکان و نوباوگان اقدام کرد [۹].

اخلاق، تربیت اخلاقی و ضرورت آن در کودکی از نظر امام علی (علیه السلام)

واژه تربیت اخلاقی مرکب از دو واژه «تربیت» و «اخلاق» است. هر مکتب تربیتی از اخلاق تعریفی ارائه کرده است [۱۰]. اخلاق در لغت به معنی «سرشت و سجه» و در اصطلاح به معنی «صفات راسخ انسانی» است [۱۱]. بنابراین، تربیت اخلاقی را می توان فرایند ایجاد و پرورش فضایل اخلاقی در فراگیران و تدارک شرایطی برای بازداشتن آن ها از رذایل اخلاقی، در مقام نظر و عمل، دانست [۱۲]. امام (علیه السلام) به منزله اولین کسی که درباره مکارم اخلاق دست به نگارش زد، اخلاق را شکوفاشدن تمام ابعاد مثبت انسانی می داند که از حدود خوش رویی و نرمی در برخورد با هموعان فراتر رود و به انسان در رسیدن به هدف اعلای زندگی کمک کند. امام علی (علیه السلام) فرموده است: «اگر فرضاً آمیدی به بهشت و ترسی از دوزخ نداشته باشیم، اگر فرضاً ثواب و عقابی در قیامت نباشد، باز هم لازم است از خود مکارم اخلاقی و سجایای انسانی را مطالبه کنیم؛ زیرا به کار بستن صفات پسندیده موجب رستگاری و سعادت است» [۱۳].

از نظر امام علی (علیه السلام) عالی ترین سرمایه و افتخار، اخلاق پسندیده است و سجایای اخلاقی و صفات انسانی، رمز کاربایی و موفقیت و بهترین وسیله برای سازگاری با دیگران در اجتماع است؛ چراکه حسن خلق و رفتار پسندیده می تواند آدمی را در نظر مردم عزیز و محبوب نماید و موجب آسایش مادی و معنوی او شود. در نهج البلاغه آمده است: «عالی ترین مایه مجد و شرف آدمی، حسن خلق است» [۱۴].

در تحقیقات نظری روان شناسی، رشد اخلاقی با فلسفه اخلاق در پیوند است [۱۵]؛ رشد اخلاقی دربرگیرنده آن دسته از قوانین و مقررات اجتماعی است که تعیین می کند انسان ها در برقراری رابطه با دیگران چگونه باید رفتار کنند [۱۶]. به نظر امام (علیه السلام)، نفس انسان راه های ورودی گوناگونی دارد که می توان گفت از این میان دو راه، اصلی است: حواس (senses) و باطن (inside) (خیال و خشم). اگر انسان از راه باطن چیزی را دریابد، اثری از آن در دل او حاصل می شود [۱۷].

امام (علیه السلام) این آثار را خواطر [۱۵] می نامد و خواطر را منشاء و انگیزه تمام افعال انسان می داند. امام معتقد است هرچه دل بخواهد و اراده کند، باید ابتدا به صورت خاطر نزد فرد حاضر باشد و این خواطر، به حسب ذات، می خواهند به شکل حرکات بیرونی ظاهر شوند. امام (علیه السلام) خواطر را به دو قسم دسته بندی می کند: یکی، خواطر شر که سرانجام آن زیان است. این خواطر ناپسند را وسوسه می گویند؛ دیگری، خواطر خیر که سودآور است. این خواطر پسندیده را الهام می نامند. امام معتقد است منشاء این دو دسته خاطر متفاوت است؛ منشاء خواطر خیر، فرشته است و منشاء خواطر شر، دیو، وساوس شیطانی اعم از وسوسه های شیطان و نفس است. با توجه به مباحث بالا می توان نتیجه گرفت که امام (علیه السلام) برای ماهیت انسان دو خود فرض می کند [۱۸] یکی «خود حیوانی» و دیگری «خود ملکوتی» و معتقد است دل، میان شیطان و فرشته در حال کشمکش

است [۱۹] و این نشان می دهد که خود مدام در حال کشمکش و جدال میان «خود حیوانی» و «خود ملکوتی» است و بر حسب فطرتش صلاحیت و استعداد آن را دارد که هم آثار فرشتگان را قبول کند و هم آثار شیاطین را. [۲۰] در اینجا است که اهمیت اخلاق و تربیت اخلاقی معلوم می شود. این حالات بیانگر این است که اخلاق قابل تغییر است و بر همین اساس امام (علیه السلام) اخلاق را یک امکان می داند و می گوید در حیوانات اخلاق وجود ندارد، اما انسان یک موجود دو بعدی است و میان دو بعد ملکوتی و حیوانی او علاقه برقرار است.

مراحل رشد تربیت اخلاقی در کودکان

امام علی (علیه السلام) مراحل رشد تربیت اخلاقی را به سه دوره هفت ساله تقسیم کرده است: کودک تا شش سال آزاد است و باید به او آسان گرفته شود، در هفت سال دوم تأدیب شود و در هفت سال سوم به کار گمارده شود [۲۱].

دوره هفت ساله اول:

- نخستین میلی که در کودک پدید می آید، شهوت خوردن است؛ پس، در اولین قدم باید آداب خوردن را به او یاد داد. امام (علیه السلام) دوره اول را دوره آمادگی فرد می داند. کودک، در این دوره باید به رفتارهای نیک عادت کند. [۹] مربی باید با زشت جلوه دادن چیزهای بد در نظر کودک، هشدار دادن به او درباره همنشین بد، تشویق او برای انجام دادن کار نیک و دادن پاداشی که او را شاد کند، بعضی از رفتارهای درست را در کودک تقویت کند [۲۲].

- اگر کودک مرتکب خطایی شد، یکی دو بار خطای او را نادیده بگیرید تا سخن پیش او بی ارزش نشود؛ زیرا اگر سخنی زیاد تکرار شود، کودک دلیر می شود و آن کار را آشکارا انجام می دهد. زیاده روی در سرزنش باعث شعله ور شدن لجاجت می شود. [۲۳] در این دوره، باید به کودک آداب اجتماعی، مانند احترام گذاشتن به بزرگسالان، مؤدب نشستن در حضور آنان، سوگند نخوردن، حفظ زبان از لعنت و فحش و... را یاد داد. نکته مهمی که امام (علیه السلام) به آن اشاره می کند این است که کودک را به چیز خاصی عادت ندهید، زیرا خوی گرفتن به کارها، مخصوصاً کارهای ناپسند، کودک را کوردل بار می آورد. [۲۴] همچنین، حضرت تأکید می کند که در این دوره، کودکان را از بازی بازنندارید؛ زیرا این امر موجب می شود آن ها بدخو شوند و این به کوردلی آنان منجر می شود. [۱] امام علی (علیه السلام) عادت را در تربیت اخلاقی روا نمی داند؛ زیرا عادت کردن به یک کار اثر آن کار را از بین می برد.

دوره هفت ساله دوم:

- احساس احترام و شرم در کودکان: امام (علیه السلام) معتقد است نماز خواندن را باید در نظر کودکان بزرگ جلوه داد و دروغ و حرام و دزدی... را در نظر آنان زشت گرداند. احساس شرم در کودکان یک عامل بسیار قوی است؛ زیرا اگر کودک به چیزهای پلید گرایش یافت، اما احساس شرم کرد، آن را رها می کند. [۲]

- آموختن شعرهای نیکو و جلوگیری از گرایش به شعرها و موسیقی های ناپسند، نکته دیگری است که امام (علیه السلام) بر آن تأکید دارد. همچنین، امام (علیه السلام) معتقد است که باید کودک را به بازی های نیکو و خوب سوق داد؛ زیرا منع از بازی، کودک را مضطرب می کند، او را از تعلیم گریزان می کند، زندگی را بر او سخت می کند و او را به حیله و دروغ وامی دارد تا از آن کار نجات یابد، اما از طریق بازی نیکو، کودک نشاط لازم را برای تعلیم به دست می آورد و با انگیزه بیشتری به تعلیم می پردازد. این نکته بسیار مهم است؛ زیرا اگر نادیده گرفته شود، کودک به سوی بدی و خود حیوانی گرایش پیدا می کند. [۱۴]

دوره هفت ساله سوم:

- بیان دلایل و فلسفه کارها: هنگامی که فرزند به سن بلوغ رسید، باید اسرار آداب و رفتارهایی را که در دوره قبل بر آن ها تأکید می شد، بداند. [۱۵] البته امام (علیه السلام) تربیت اخلاقی در این دوره را منوط به دوره های قبل می داند و می فرماید: اگر کودک به صفات نیکو عادت کرده باشد و این صفات در او خوب ریشه دوانده باشد، هنگام بلوغ این سخنان در دل او مؤثر واقع می شود، [۱۶] ولی اگر قضیه برعکس شود؛ یعنی کودکان با بازی های ناپسند و فحش و شهوت خو بگیرند، طعام و لباس خود را

بیاریند و به همدیگر فخرفروشی کنند، خود ملکوتی آن‌ها حق را نخواهد پذیرفت. اگر تربیت اخلاقی کودک از همان ابتدا (قبل از تولد) شروع شود، این آموزش‌ها همانند نقشی که بر سنگ حک می‌شود، پابرجا می‌مانند، [۱۷] اما اگر سنین کودکی (دو دوره قبل) نادیده گرفته شود، تأثیر آموزش‌های اخلاقی در سن بلوغ، همانند نوشتن بر آب، هیچ تأثیری ندارند. به اعتقاد امام، بذر هر کار عظیمی در دوره کودکی افکنده شده است. [۱۸] بنابراین مهم‌ترین کار این است که از همان آغاز تولد (و حتی قبل از تولد) تربیت اخلاقی کودک شروع شود؛ زیرا کودک به طور فطری قابلیت خیر و شر را دارد و قلب او مانند زمین خالی است و تربیت است که وی را به یکی از دو سویه خیر و شر می‌کشاند. [۱۹]

۳- هدف غایی تربیت اخلاقی کودکان در سیره امام علی (علیه السلام)

در نظام تربیتی اسلام مبحث اهداف از اصلی‌ترین مباحث است و جایگاه مهمی دارد؛ چراکه بدون تعیین هدف، برنامه ریزی و ارزیابی فعالیت‌های تربیتی به آسانی ممکن نیست. در تربیت فرزندان، آن‌هم در جامعه اسلامی، داشتن اهداف الهی بسی مهم و تعیین کننده است [۳].

با نگاهی به دیدگاه و سیره تربیتی امام علی (علیه السلام) آشکار می‌شود که هدف غایی در نظام تربیت اخلاقی این است که فرزند به مقام اطاعت و عبودیت الهی برسد؛ هدف نهایی، تربیت انسانی است که مطیع پروردگار و تسلیم آستان او باشد. با توجه به حقیقت وجودی انسان و کمال جویی او، باید این امکان را برای کودکان فراهم آوریم تا در مسیر تربیت حقیقی گام بردارند و استعدادهای خود را شکوفا سازند. با این وصف، اهداف واسطه‌ای تربیت اخلاقی در نگاه امام علی (علیه السلام) عبارتند از:

الف) پرورش ابعاد وجودی و شخصیتی انسان:

هدف از تربیت اسلامی، انسان سازی است. انسان می‌تواند با تربیت، نقاط ضعف خود را به نقاط قوت تبدیل کند. پرورش ابعاد معنوی و اخلاقی شخصیت انسانی، یک هدف مهم تربیتی در نظام اخلاقی امام علی (علیه السلام) است؛ زیرا هرکسی می‌تواند در مسیر تعالی یا سقوط گام بردارد. اگر پرورش، فقط تأمین نیازهای جسمانی باشد، انسان از پرورش صفات عالی اخلاقی و معنوی بازمی‌ماند. امام علی (علیه السلام) به تربیت بعد اخلاقی و معنوی اهتمام ویژه دارد [۴].

ب) آگاه کردن انسان از پایگاه خویش در جهان و شکوفا کردن لطافت وجودی او:

کار اصلی تربیت اخلاق اسلامی، آشنا کردن انسان با ماهیت وجودی او و حرکت دادن وی بر مقتضای فطرت و سرشت او است. شناخت انسان از خود، مقدمه‌ای برای شناخت خداوند می‌شود. آن‌گاه زندگی او معنی می‌یابد و به سوی کمال خویش گام برمی‌دارد. حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «برترین معرفت، شناخت آدمی از خویشتن است [۲۰]» و «هرکه خود را بشناسد، پروردگار خود را شناخته است». [۲۱] بنابراین، در تربیت، شناخت انسان جایگاهی بس ارزشمند دارد و چنانچه انسان به این مهم مبادرت نورد، از فهم مسائل دیگر نیز در می‌ماند.

ج) آخرت گرایی و پروا پیشگی:

طبق اصول تربیت، انسان باید قوس صعودی را در جهت حقیقت ملکوتی خود ببیماید. امام (علیه السلام) در نامه تربیتی خود به فرزندش امام حسن مجتبی (علیه السلام) می‌نویسد: «بدان که تو برای آن جهان آفریده شده‌ای نه برای این جهان [۲۲]». این جهان مدرسه تربیت انسان است و باید به سوی آخرت گام بردارد. امام (علیه السلام) همگان را بدین مقصد فراخوانده و فرموده است: «از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا مباشید که روز رستاخیز هر فرزند به مادر خود می‌پیوندد [۲۳]».

انسان، تنها برای امور مادی کوشش نمی‌کند و یگانه محرک او حوایج مادی زندگی نیست، بلکه برای اهداف و آرمان‌های بسیار عالی می‌کوشد. انسان، دارای روح قدسی است که میل به تعالی، صعود و پرواز دارد و بالارفتن او تا ملکوت قابل تصور است. آنچه انسان‌ها را به کمال مطلوبشان می‌رساند در سایه پرهیزگاری محقق می‌شود. پیشوای پرهیزگاران در ضمن خطبه‌ای فرمود: «خداوند به پرهیزگاری سفارستان کرده و آن را نهایت خشنودی و خواست خود از بندگان قرار داده است [۲۴]» «بندگان خدا، شما را به تقوای الهی و فرمان برداری او سفارش می‌کنم که نجات فردا در آن است و مایه‌رهایی جاودان است [۲۵]».

آنان که به این توشه تربیتی دست یابند، درهای وصول به مقاصد تربیت حقیقی به رویشان گشوده می شود. امام علی (علیه السلام) در وصفشان می فرماید: «پرهیزگاران در این جهان اهل فضیلتند، گفتارشان صواب است و میانه روی شعارشان. در رفتار و گفتار فروتنند، دیده هایشان را از آنچه خدا بر آنان حرام کرده، پوشیده و گوش هایشان را به دانشی که آنان را سودمند است به کارگرفته اند. در سختی چنان به سر می برند که گویی به آسایش قرار دارند و اگر نه این است که مدت زندگی شان را باید بگذرانند، جان هایشان یک چشم به هم زدن در کالبد نمی ماند. از شوق رسیدن به پاداش - آن جهان - یا از بیم ماندن و گناه کردن - در این جهان - خداوند در اندیشه آنان بزرگ است. پس هر چه جز او است، در دیده هایشان خرد نمود. بهشت برای آنان چنان است که گویی آن را دیده اند و در آسایش آن به سر می برند و دوزخ چنان که آن را دیده اند و در عذابش قرار دارند. دل هایشان اندوهگین است و مردم از گزندشان ایمن. تن هایشان نزار است و نیازهایشان اندک و به جان و تن پارسایند» [۶]

شیوه‌های تربیت جنسی در دوره کودکی

تربیت جنسی، به تربیت در همه ابعاد وجودی و رشدی انسان بستگی دارد. تربیت هر یک از جنبه‌های رشدی، کل شخصیت انسان را در روند طبیعی و سلامت به پیش می‌برد. این رشد از بدو تولد شروع می‌شود و در زمان بلوغ پیشرفت می‌کند و در جوانی و بزرگسالی به اوج خود می‌رسد. می‌توان گفت که با رشد و تربیت، شخصیت جنسی کودک شکل می‌گیرد و وی با وظایف جنسی خود آشنا می‌شود، از انحرافات جنسی پیشگیری می‌کند، از بلوغ زودرس جلوگیری می‌نماید، سلامت روانی و جنسی کودک را تضمین می‌کند و در یک کلمه، تربیت جنسی رشد و کمال فرزندان را تسهیل می‌کند [۷].

شیوه‌های تربیت و آموزش جنسی در دوره کودکی، به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱- تربیت جنسی مستقیم

۲- تربیت جنسی غیرمستقیم

تربیت جنسی مستقیم، شامل مسائل و اموری است که مستقیماً به نقش جنسیتی دختر و پسر یا وظایف جنسیتی یا تمایلات و رفتارهای جنسی آنها مربوط می‌شود؛ مانند هویت‌پذیری جنسی، الگو یابی جنسیتی، آشنایی با وظایف هر جنس، آمادگی برای انجام وظایف مادری و پدری، پرهیز از تحریکات جنسی و اموری مانند آن [۸].

اما تربیت جنسی غیرمستقیم شامل جنبه‌هایی است که به‌نحوی بر رفتارهای جنسی تأثیر می‌گذارد؛ مانند محبت به کودک، ارضای نیازهای روانی، پرورش فضایل اخلاقی، رشد باورهای دینی و مذهبی و اموری مانند آن. مسائل مربوط به تربیت جنسی غیرمستقیم، اگرچه جنبه عام تربیتی دارند و مستقیماً با تربیت جنسی مرتبط نیستند، اما از آنجا که به‌نحوی با مسائل جنسی ارتباط پیدامی‌کند، رشد طبیعی جنسی در دختر و پسر را تسهیل می‌نمایند و آنها را از انحرافات و اختلالات جنسی مصون نگه می‌دارند. در اسلام، والدین موظفند تا از همان آغاز تولد فرزند، زمینه رشد و تربیت طبیعی از جمله رشد و تربیت جنسی او را فراهم سازند [۹].

تربیت هویت جنسی

منظور از هویت جنسی، پذیرش ویژگی‌های زیستی، شناختی، عاطفی و اجتماعی هر یک از دختر و پسر است که به صورت متفاوت در دو جنس پدیدار می‌گردد. از آنجا که ویژگی‌های یاد شده، حتی نگرش‌های والدین، گرایش‌های فرهنگی آنها و نوع تربیت و برخوردشان با پسر و دختر در شکل‌دهی هویت فرزند مؤثر است، هنگامی که بینش و عملکرد والدین از این امر حکایت کند که هیچ جنسیتی بر دیگری برتری ندارد و هر دوی آنها ارزشمندند؛ آنگاه فرزندان می‌توانند به راحتی و بدون آرزوی داشتن جنسیتی مخالف به هویت جنسی خودشان دست یابند و در آینده، نقش پدر و مادری خود را نیز به خوبی ایفا کنند. والدین در تعیین هویت جنسی فرزندان خود با ابرازهای احساسی و عاطفی و رفتارهای متناسب با هر یک از دختر و پسر، ارزشمندی و عزت آنها را آشکار می‌سازند [۱۰].

شیوه‌های تربیت جنسی در دوره نوجوانی

در خصوص تربیت جنسی نوجوان، اولیاء دو وظیفه کلی و اساسی دارند. یکی این است که او را با حقایق صحیح جنسی بیولوژیک آشنا کنند تا او بداند دستگاه‌های جنسی چگونه کار می‌کنند و تأمین بهداشت آنها چگونه امکان دارد. دیگر اینکه یاد بدهند، نوجوان چگونه میل جنسی خود را با توجه به ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی جامعه خود ارضاکند و از انحراف و در نتیجه پیدایش اضطراب و عوارض روانی دیگر در امان باشد. در این زمان، وظایف اولیا نسبت به گذشته پیچیده و سنگین‌تر شده است؛ زیرا در گذشته کودکان به محض پیدا شدن علائم رشد و بزرگ شدن جثه و احساس توانمندی بیشتر، وارد مرحله کار و فعالیت اجتماعی می‌شدند؛ دخترها در سنین بسیار پایین گاهی در سن یازده سالگی و پسران در سن سیزده یا چهارده سالگی دارای فرزند می‌شدند و پسرها چه بسا پیش از بیست سالگی ازدواج می‌کردند [۱۱].

آگاهی دادن نسبت به تغییرات جسمی بلوغ

انسان در آغاز نوجوانی دارای رشد و جهش خاصی است و با تغییرات جسمی، هورمونی و ظهور ویژگی‌های جنسی ثانویه همراه است. این تغییرات طی یک دوره تقریباً دو ساله رخ می‌دهد و با بلوغ جنسی به اوج خود می‌رسد. در روایات معصومان (ع) بر آگاهی نوجوان از علائم بلوغ و تحولات جسمی خودش تأکید شده است. لزوم این آگاهی برای آن است که واقعیت وجود خود و سیر تغییرات طبیعی خودش را درک کند و زمینه روانی برای درک شخصیت و احساس مسئولیت و تکلیف برایش فراهم گردد [۱۲].

پرورش هویت جنسی نوجوان

از نیازهای مهم دوران نوجوانی، نیاز به پرورش هویت است. او می‌خواهد با ماهیت انسانی و جنسی خود آشنا شود و به دنبال یافتن استقلال و شخصیت مستقل است. او می‌خواهد ارزش‌های خود و معیارهایش را بداند و آنها را پایه‌ریزی کند. احساس هویت شخصی در نوجوانان به تدریج بر پایه همانندسازی‌های گوناگون دوران کودکی تکوین می‌یابد. ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی کودکان تا حدود زیادی همان است که والدین آنها نیز دارند. احساس عزت نفس در آنها نیز از نگرش والدینشان نسبت به آنها نشأت می‌گیرد. با ورود به نوجوانی و دنیای وسیع‌تر آنان در دبیرستان، آنها به صورت فزاینده‌ای به ارزش‌های گروه همسالان خود و همچنین به ارزیابی‌های معلمان و سایر بزرگسالان بیشتر ارجح می‌نهند. نوجوانان از راه جمع‌بندی این ارزش‌ها و ارزیابی‌ها می‌کوشند تصویر یکپارچه‌ای از خود به دست آورند. هر اندازه ارزش‌هایی که از سوی والدین، معلمان و همسالان ابراز می‌شود همخوانی بیشتری با هم داشته باشند، به همان نسبت کار هویت‌یابی نوجوان آسان‌تر پیش می‌رود [۱۳].

بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می‌شود که تربیت فرآیندی کلی و دارای جنبه‌های مختلف است و در تربیت باید همه جنبه‌های جسمی، روانی، اخلاقی، جنسی، اجتماعی و ... مورد توجه قرار گیرد. هماهنگی بین این ابعاد و فراهم‌سازی زمینه‌های تربیتی در مراحل گوناگون؛ از یک سو، نیاز به کسب اطلاعات و آموزش و تجربه والدین، معلمان و مربیان دارد و از سوی دیگر، تربیت جنسی از سخت‌ترین و حساس‌ترین جنبه‌های تربیتی است که لازم است با ظرافت و تکنیک‌های ویژه، در مقاطع سنی مختلف، از سوی والدین و مربیان، پیگیری شود. تربیت جنسی علاوه بر رشد سالم و صحیح، از انحرافات و اختلالات و بیماری‌های جنسی پیشگیری می‌کند. همه اینها از ضرورت پرداختن به تربیت و آموزش جنسی، حکایت دارد و با توجه به اینکه جامعه اسلامی باید بر اساس نظام تربیتی اسلام تعیین گردد، کشف شیوه‌های آموزشی و تربیتی هماهنگ با مبانی، اهداف و اصول به‌دست آمده از متون دینی و تکنیک‌های استخراج شده از آیات و روایات، نقطه عطف تربیتی در جامعه ما محسوب می‌گردد.

منابع و مأخذ

- [۱] اعرافی، علیرضا (۱۳۸۷)؛ اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، تهران: سمت
- [۲] باقری، خسرو (۱۳۹۰) نگاهی دوباره به تربیت اسلامی؛ جلد اول؛ تهران: انتشارات مدرسه

- [۳] برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰)، نگاشت پنجم؛ تهران: دبیر خانه طرح تولید برنامه درسی ملی.
- [۴] پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۵)؛ نهج الفصاحه؛ تهران: انتشارات لولو مرجان.
- [۵] راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۷)؛ المفردات فی غریب القرآن؛ تهران: انتشارات آرایه.
- [۶] ری شهری، محمد (۱۳۶۲)؛ میزان الحکمه: ج ۲، ۸ و ۱۰؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- [۷] شریعتمداری، علی (۱۳۹۰)؛ تعلیم و تربیت اسلامی، تهران؛ امیر کبیر.
- [۸] شمشیری، بابک (۱۳۸۷)؛ جهانی شدن و تربیت دینی از منظر مدرنیسم و پست مدرنیسم و عرفان اسلامی؛ فصلنامه دانشور رفتار؛ دانشگاه شاهد؛ سال پانزدهم، شماره ۳۰.
- [۹] صابری یزدی، علیرضا (۱۳۸۸)؛ الحک الزاهره؛ قم؛ انتشارات نشر اسلامی.
- [۱۰] صافی، احمد (۱۳۹۱)؛ آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبایی با تاکید بر هدف ها و روش های تربیتی؛ فصلنامه علمی - تخصصی تربیت اسلامی؛ سال سوم، شماره ۷.
- [۱۱] صدوق، محمد بن بابویه (بی تا)؛ مصداقه الاخوان؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- [۱۲] طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۳)؛ تفسیر المیزان؛ ترجمه محمد باقر موسوی همدانی؛ نشر احرار.
- [۱۳] کاویانی، محمد (۱۳۸۹)؛ تربیت اسلامی (گذر از اهداف کلی به اهداف رفتاری)؛ فصلنامه تخصصی پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم؛ سال اول، شماره ۳.
- [۱۴] گرامی، غلامحسین (۱۳۸۵)؛ انسان در اسلام؛ قم: نشر معارف.
- [۱۵] مجلسی - محمد باقر (۱۴۰۳ ق)؛ بحار الانوار؛ ج ۷۵، ۷۴، ۷۰، ۱؛ تهران: انتشارات آخوندی.
- [۱۶] نراقی، ملا احمد (۱۳۸۵)؛ معراج السعاده؛ چاپ پنجم؛ قم: هجرت.
- [۱۷] ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۸۷)؛ فلسفه تربیت؛ تهران؛ انتشارات پیام نور.
- [۱۸] محمدصادق مهدوی، بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج، تهران، شهید بهشتی، ۱۳۷۷،
- [۱۹] باقر ساروخانی، دائرة المعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان، ۱۳۷۰،
- [۲۰] غلامعلی افروز، مبانی روان شناختی ازدواج در بستر فرهنگ و ارزش های اسلامی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱، ص ۵
- [۲۱] عبدالله جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جمال، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۱،
- [۲۲] مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۷۱،
- [۲۳] ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، قم، چاپخانه امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۶۲، ج ۱۴،
- [۲۴] سعید آرمی سه سارمی، میثاق مقدس، تهران، سازمان ملی جوانان، ۱۳۷۹،